

معرفی کتاب



نغمه

محمد (ص)

u شهرام تقی‌زاده انصاری

دیدگاه ناقص و غرض‌آلود قرون وسطی را نسبت به عقاید و دستورات دینی اسلام، نشان داده است تا بتواند علت عدم ورود افکار صحیح درباره دین اسلام به اروپا را نشان دهد. او از نظرات شرق‌شناسانی مثل هردر، شیمل، کاتارینا مومزن، فن دتیس، مونته ویلا، پورگتال و بورگل برای نوشتن این کتاب استفاده کرده است. با شرح مختصری درباره تأثیرپذیری گوته از اسلام اعتراف می‌کند که درباره این مسئله آن طور که باید نه در شرق و نه در غرب کار صحیحی انجام نشده و لازم است انجام شود. مروری در کتاب نشان دهنده عشق و علاقه وی به موضوع کتاب است که با قلمی زیبا آن را به رشته تحریر درآورده است و از کتب ارزشمندی کمک گرفته است.



گوته کیست؟

- مؤلف ابتدا، مختصری از زندگانی گوته، شهرت، و دوران زندگی او سخن می‌گوید. او می‌نویسد، وی در سال ۱۷۴۹ م. در شهر فرانکفورت به دنیا آمد و به تحصیل رشته‌های مختلفی مثل تاریخ، علوم طبیعی، ریاضیات و الاهیات پرداخت.

۱- دوره جوانی- نخستین دوره زندگی او همزمان با نهضت روشنگری آلمان بود، او در این دوره با آثار لسینگ (Lessing)، گوتشمید (Gottschmied) و روکوکو (Rokoko) آشنا شد. در فرانکفورت تحت تأثیر محیط مذهبی، تجربیات عمیقی پیدا کرد. دریافت که دینداری و عرفان آلمانی با افکار نوافلاطونی پیوند دارد. به این دلیل اسطوره‌ها و نمادهای این دوره در ذهن او شکل گرفت و بعد عمیق شد. گوته به استراسبورگ (Strassburg) رفت و سه سال در آنجا ماند و با هردر (Heder) آشنا شد و زندگانی‌اش تغییر کرد. با استفاده از افکار جدید هردر توانست «عهد عتیق» را

u نغمه محمد(ص)

u محمد اخگری

u پژوهشگاه فرهنگ و معارف، چاپ اول / ۱۳۸۴ش

مقدمه

این کتاب ارزشمند و جذاب از چندین بخش تشکیل شده است. مسئله مهمی که مؤلف سعی دارد آن را شرح و تفسیر کند، «تراژدی محمد(ص)» به قلم گوته و همچنین اشعار او به نام «نغمه محمد(ص)» است که در ده بند، سروده شده است. مؤلف در این اثر، زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ای را که گوته در آن زندگانی کرده است، به تصویر کشیده است، و دیگر این که به طور مختصر تاریخ ترجمه قرآن‌های مختلف و همچنین

آشنایی او را با اسلام فراهم کرده، گوته انگیزه درونی و علاقه ذاتی به اسلام داشته است.

سپس مؤلف از بهره‌گیری گوته از قرآن سخن می‌گوید. در آن زمان هنوز افکار قرون وسطی حاکم بود و علیه دین اسلام تبلیغ می‌کرد. البته تأثیر گذاری و آشنایی غرب با فرهنگ و تمدن اسلامی به دوران قرون وسطی برمی‌گردد که اروپا در تاریکی فکر و اندیشه فرو رفته بود. تمدن اسلامی، افکار روشن مسلمانان بر افکار قرون وسطی در اروپا تأثیر گذاشت. اسلام اروپا را از نظر عقلانی در زمینه علم و فلسفه، برانگیخت و اروپا را واداشت که تصویر جدیدی از خود ارائه دهد. قرآن، مورد توجه غرب قرار گرفت و به زبان‌های اروپایی ترجمه شد. سپس مؤلف در ادامه به مسئله تأثیر علمی و فرهنگی اسلام در اروپا می‌پردازد. نویسنده، برای روشن شدن وضع فرهنگی اروپا سیر ترجمه قرآن را شرح می‌دهد و نظرات جدید مارتین لوتر را که تأثیر مهمی در افکار جدید اروپا داشت، گوشزد می‌کند.

افکار ضد اسلامی غرب نتوانست بر گوته تأثیر بگذارد. او با استفاده از ترجمه دیوان حافظ و قرآن هامریورگستال (Hammer Purgestall) به مطالعه دستورات اسلامی و عقاید آن پرداخت. پورگستال می‌نویسد: «قرآن، هم کتاب قانون اسلام است و هم مهم‌ترین و برجسته‌ترین اثر ادبی عربی است... آنچه محمد(ص) را بر ملتش فائق ساخت، بیشتر قدرت اسلام بود تا نیروی شمشیر. این کلام نمی‌توانست محصول وجد حالات انسانی باشد، بلکه این کلمات باید از آسمان تکلم شده باشد، به این دلیل قرآن کلام خداست.»

خانم کاترینا موهزن، گوته‌شناس آلمانی، می‌گوید: «آیاتی را که گوته از آن‌ها استفاده کرده است نشانه آن است که سخت مجذوب تعالیم اسلام شده است.» سپس تعدادی از آیات قرآن درباره جهان و انسان و خداوند، آورده می‌شود مثل: مشرق و مغرب از آن خداست. هر کس از روی اخلاص رو به خدا کند و نیکوکار باشد، پاداشش را از خدا خواهد گرفت. همانا در خلقت آسمان و زمین و در رفت و آمد شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی است. جز این نیست که محمد، پیامبری است که پیش از او نیز پیامبرانی آمده‌اند.

گوته و محمد(ص)

گوته در مقالات و یادداشت‌های خود می‌نویسد: «از آنجا که در مطالعات خود به موضوع «شعر و ادب» می‌پردازم، شایسته

از دیدگاه زیباشناختی، مورد توجه قرار دهد.

بالاخره در پایان این دوره، گوته به الزاس (Elsoss) می‌رود و تحت تأثیر عشق دختری به نام فردریکه، شروع به سرودن شعر می‌کند. از جمله اشعار او «ماه مه» است. تراژدی گوته (Goetz) و تراژدی محمد(ص)، از جمله آثار اوست. گوته در نمایشنامه گوته، اشاره‌ای به آیه شریفه «رب اشرح لی صدری و یسر لی امری» می‌کند. سپس سخن از «اور فاست» و غم‌های ورت‌تر جوان به میان می‌آید و بالاخره به «تراژدی محمد(ص)» اشاره می‌شود: گوته می‌نویسد؛ به نظر می‌رسد که هدف اصلی قرآن این بوده است که پیروان یهودیان و مسیحیان و بت‌پرست‌های مکه را به سوی یک معنا گرد هم آورد و به سوی خداوند قادر متعال، دعوت کند تا بتوانند همگی در سایه رهبری پیامبر اسلام(ص) با یکدیگر متحد شوند.

وی در تصنیف «تراژدی محمد(ص)» و به ویژه «نغمه محمد(ص)» از تصویر و تشبیه آب برای شخصیت پیام‌آور اسلام به زیبایی بهره می‌گیرد.

۲- گوته میانسال (۱۸۰۶-۱۷۷۵ م.) گوته در این دوره اهداف علمی و فرهنگی را دنبال می‌کند و در جستجوی آثار کلاسیک است. به ایتالیا می‌رود و دو سال در آن جا زندگی می‌کند که تأثیر شگرفی روی او می‌گذارد. چون رُم در آن روزگار، عروس شهرهای دنیا بود و در آن، هنرمندان و موسیقی‌دانان و ادبا زندگی می‌کردند. در این دوره دریافت که، هنر و طبیعت از یکدیگر جدا نیستند. وی همیشه در پی چیزهایی بود که ماندنی باشند. انقلاب کبیر فرانسه نیز در او، تأثیر گذاشت. گوته به ایمان، پایبندی داشت و آن را تکریم می‌کرد و سعی داشت آن را با طبیعت پیوند زند.

۳- گوته پیر- این دوره با مرگ شیله، شاعر آلمانی، و دوست او و کشتار و جنگ در «نیا» شروع می‌شود. آثار مهم گوته در این دوره فاست و دیوان شرقی- غربی است. گوته در سال ۱۸۱۴ م. به ترجمه دیوان حافظ دست یافت و مطالعه آن، مسیر زندگی او را تغییر داد. به این دلیل برای همدلی و همزبانی با او دیوان شرقی- غربی را نوشت. این کتاب محصول سفر روحانی گوته به شرق و شامل دو بخش است؛ بخش اول، اشعار دوازده‌گانه اوست و بخش دوم، تاریخ ادبیات ایران را در بر می‌گیرد. بالاخره گوته، شاعر بزرگ آلمان، در ماه مارس ۱۸۳۲ م. از دنیا رفت.

زمینه آشنایی گوته با فرهنگ اسلامی

با این که زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی آن زمان، شرایط

نمی‌رفتند. لایب نیتس فیلسوف و ریاضی‌دان آلمانی هم در مقاله‌ای در «تئودیه» می‌نویسد، تعالیم پیامبر اسلام (ص) ارزشمند است، چون دین او در اثر ادیان طبیعی منحرف نگشته و توانسته است دین خردمندان را که ابراهیم (ع) و موسی (ع) به او رساندند و نیز توسط عیسی (ع) به دین ملتها تبدیل شده بود، در میان اقوام آسیا و آفریقا گسترش دهد.

نویسنده می‌نویسد؛ گوته با وجود همه پیش‌داوری‌های غلط آن زمان، در نمایشنامه محمد و همچنین در دیوان شرقی و یادداشت‌هایش می‌کوشد با احتیاط و دقت فراوان و با حفظ عدالت و بی‌طرفی لازم شخصیت محمد (ص) و جوهر فرهنگ اسلامی را شرح دهد.

علاقه درونی گوته به اسلام

– گوته، علاقه خاصی به اسلام داشت. او با نوشتن تراژدی محمد (ص) و اشعاری به نام «نغمه محمد (ص)» که بعد از این صحبت از آن خواهد شد، علاقه‌اش را نسبت به اسلام ابراز داشته است. نویسنده به طور خلاصه نکاتی را که گوته مجذوب آن‌ها شده، نشان می‌دهد؛

۱- توحید و وحدت گوته در تراژدی محمد (ص)، وقتی از تفاوت شاعر و پیامبر سخن می‌گوید، اشاره به همسو کردن انسان‌ها می‌کند که نشانه علاقه گوته به «توحید» است. گوته ادیان ابراهیمی را، ادیان توحیدی می‌داند و به آن‌ها توجه می‌کند: ابراهیم خدای ستارگان را به سروری خود شناخت، و موسی در بیابان به فیض آن یکتا رسید و بزرگی یافت، همچنین داود از پی بسیاری معصیت و حتی جنایت سرانجام، فرجام از آن یافت که گفت: هرگز جز آن یگانه را به خدایی نستودم.

۲- نبوت – گوته باور دارد که محمد (ص)، پیامبر خداست و قرآن کلام خداست. این موضوع در اشعارش پیداست.

۳- طبیعت جلوه گاه خداوند – اشعار گوته نشان دهنده این مسئله است. کلام خداوند که آمد و شد، شب و روز را، آیه‌ای برای خردمندان می‌خواند، مطلوب طبع گوته واقع شده است. از نظر گوته جهان و فرایند آفرینش جاودانی است. زمان و طبیعت نزد او برخلاف الاهیات مسیحی، از هیچ به وجود نیامده و در

است که از شخصیتی فوق‌العاده و بی‌نظیر سخن بگویم که طبق ادعای خود، که صحیح هم هست، او پیامبر است و نه شاعر؛ کتاب او نیز قرآن، کلام و قانون خداوندی است... به این دلیل ما می‌خواهیم تفاوت میان پیامبر و شاعر را مطالعه کنیم. پیامبر بر عکس شاعر، فقط یک هدف دارد و آن این است که همه ملتها را دور هم گرد آورد. از این رو نیاز به آن است که دنیا به او ایمان بیاورد. او باید موحد باشد و از یک چیز سخن براند و انسان زمانی آن را باور می‌کند که چندگانگی از بین برود.» سپس درباره ابتدای سوره «بقره» و شرح آن سخن به میان می‌آید.

گوته در ادامه گفتارش درباره سبک قرآن سخن می‌گوید و بعضی از اشعار دیوان شرقی را درباره قرآن می‌آورد که تأثیر قرآن بر گوته را نشان می‌دهد.

در پایان، نویسنده اشاره‌ای به روشنگری و زمینه‌های رواج شرق‌شناسی و تاریخ آن و تأثیر هامرپورگستال، فن دیتس، یوهانس فون مونت و ویلا بر گوته می‌کند.

آشنایی گوته با پیامبر اسلام (ص)

– نویسنده ابتدا، مقدمه‌ای درباره تصویر ناقص غربیان درباره پیامبر اسلام (ص) ارائه می‌دهد و سپس گوشه‌ای از توهینات غربیان به محمد (ص) را نشان می‌دهد. خانم پروفیسور شیمیل می‌نویسد: «برداشت‌های نادرست غربیان تا حدی بخاطر فقدان دانش زبانی کافی به متون اسلامی بوده است، چون کوچک‌ترین نشانه بت‌پرستی در دین اسلام، وجود ندارد و پیامبر اسلام، خود را یک بشر معمولی می‌داند که فقط به او وحی می‌شود و او بنده واقعی خداست.» سپس گفتار بعضی از مستشرقین را در مورد شخصیت محمد (ص) نقل می‌کند: لسینگ در یکی از آثارش از زبان یک مسلمان، اسلام را دین خردورزی می‌داند. هرذر از وجد و شور بسیار پیامبر اسلام (ص) برای ارائه اندیشه توحیدی و نیز روشی که انسان را با طهارت و تقوا و انجام عمل صالح به بندگی خدا برساند، تجلیل می‌کند.

... اگر ادبیات آلمان و یا جایی در اروپا کتابی ارزشمند به مانند قرآن در زبان عربی داشت، هرگز زبان لاتین، زبان حاکم بر فرهنگ آنان نمی‌شد و قومیت‌های آنان تا این حد به اشتباه

آب‌ها پیشکش شده است. آبان روز دهم هر ماه است و نیایش در این روز و در کنار رودخانه خوانده می‌شود. در دین مسیحیت هم آب، نماد پاکی و طهارت است. در آیین‌های چینی نیز آب مقدس است. لائوتسه گفته است: در زندگی هیچ چیز نرم‌تر و سخت‌تر از آب نیست. در ادبیات اسلامی، آب ماده‌ای ارزشمند است که حامل زندگی و حیات است. آیات قرآن نیز آب را موجب حیات زمینی دانسته و بارش باران به عنوان نعمت خداوندی، برای بندگانش به شمار آمده است. آب حیات، چشمه‌ای است در ظلمات که هر که از آن نوشد، حیات جاوید یابد.

شرح و تفسیر اشعار

بالاخره نویسنده به شرح و تفسیر اشعار «نغمه محمد(ص)» می‌پردازد و اشاره‌ای هم به اشعار اقبال لاهوری می‌کند که با الهام از آنچه گوته در شعر «نغمه محمد(ص)» سروده است، آن را در پیام مشرق- که در پاسخ به دیوان شرقی سروده است - با عنوان آب بازآفرینی کرده است.

معروض نابودی دوباره نیست. گوته از نگاه به طبیعت، رمز هستی را می‌خواند و طبیعت برای او نشانی از حقیقت مطلق است.

۴- تسلیم شدن در برابر حق از نظر گوته، دین یعنی تسلیم شدن در برابر حق. به این دلیل که اطمینان و تسلیم را از مبانی دین مطلوب می‌داند: این که هر کس عقیده خویش را بستاید، جنون است.

اگر اسلام به معنای تسلیم شدن در برابر خدا باشد، همه ما در اسلام به دنیا می‌آییم و در اسلام می‌میریم.

نقد و بررسی شعر «نغمه محمد(ص)»

- مؤلف، پس از ترجمه روان شعر «نغمه محمد(ص)» سعی کرده است آن را بررسی و نقد کند: «نغمه محمد(ص)» در واقع، تصویر رودی است که از کوهساری جاری شده، در مسیر خود، همه رودها را با خویش همراه می‌سازد تا به اقیانوس برسد. این شعر شامل ده بند است و هر بند گفت‌وگویی میان علی(ع) و فاطمه(س) است که به بیان تصویر این رود جاری پرداخته‌اند. این اشعار از نظر عروض، دارای کوتاهی و بلندی متفاوتی است، اما وزنی یکسان دارند. در بعضی از ابیات، قافیه رعایت شده است، اما شعر در قالب سبکی در دوره پیدایش خود، یعنی دوره طوفان و طغیان سیر می‌کند. احساسی در آن متبلور است و شاعر ساختارشکنی خود را چندان در التزام رعایت قواعد شعری نمی‌بیند، اما واژگان انتخاب شده و تصویری که از زبان اشخاص مورد نظر در گفت‌وگو، بیان می‌شود، آهنگ و موسیقی درونی زیبایی را تداعی می‌کند. در برخی از ابیات، واج‌آرایی، به روشنی مشهود است. شاعر می‌کوشد با به کار بردن صفت‌های بسیار، افعال و آرایه‌های گوناگون ادبی از جمله تشخیص و استعاره، در مواضع مختلف، به زیباترین شکل، چگونگی جریان چشمه‌سار را تبیین کند. سبک انتخاب شده برای سرودن این شعر نیز جلب توجه می‌کند.

در پایان، نماد «آب» در فرهنگ‌های مختلف شرح داده می‌شود. آب در فرهنگ‌های مختلف، نماد جنبه‌های مثبت زندگی است. آب همواره در فرهنگ‌های قدیمی و در مذاهب، مورد احترام بوده است. در بعضی مذاهب آب، عنصری مقدس به حساب می‌آید. در دین زرتشت، آب مقدس بوده و از اوستا به اردویور آناهیته، ایزد

